

بررسی نقش زن در داستانهای کودکان

سوده مقصودی

چکیده: کودک از طریق مطالعه کتابهای داستانی دامنه لغات خود را گسترش می دهد و روابط اجتماعی را فرا می گیرد. بنابراین نحوه معرفی نقشهای زن و مرد در این کتابها از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که کودک از طریق مطالعه این کتب می آموزد که چه اعمالی مردانه و چه اعمالی زنانه هستند و چگونه باید نقش خود را به عنوان یک زن یا مرد در جامعه ایفا کند. پژوهش حاضر سعی دارد روشن سازد نویسندگان کتابهای کودکان چه الگوهایی از نقش های زنان و مردان در جامعه فعلی ارائه می دهند و به علاوه در پی آنست که این نحوه معرفی و تأییراتی را که بر زندگی آینده کودکان دارد را تحلیل کند. هدف اصلی تدوین این مقاله، شناسایی نقشهای زنان در کتابهای داستانی کودکان است. به این سبب سعی شده با توجه به تئوری پارسونز در زمینه نقش های چهارگانه، نقش زن در کتابهای داستانی کودکان (فولکلوریک و معاصر ایرانی) بررسی شود. برای گردآوری داده های این تحقیق از دو شیوه اسنادی - کتابخانه ای و تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که گرچه آمارهای شغلی نشان می دهد که نقش های زنان در جامعه فعلی محدود به نقشهای خانگی نیست و برخی از زنان دارای نقشهای اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی هم هستند، اما در کتابهای داستانی کودکان، زنان غالباً در نقشهای عادی اجتماعی از نوع کلیشه ای و سنتی ظاهر می شوند. ویژگیهای شخصیتی این نقشها عبارتند از: مادری، کد بانوگری، معلمی، پرستاری و ... ویژگیهای اخلاقی متناسب با این نقشها نیز در ادبیات و کتابهای داستانی کودکان این گونه بیان شده است: نازک دل و سست رای، ناقص عقل، دلبر و زیبا، بی وفا و خائن، منفعل در تصمیم گیری، فاقد ابتکار و نوآوری، موجودی جهت ارضای جنسی مردان، فردی خرافی، عقب افتاده و ...

طبق تئوری پارسونز نقش های اجتماعی به دو بخش افقی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) و عمودی (راهبردی، بانفوذ، کمکی و عادی) تقسیم می شوند. مقاله حاضر نشان می دهد که زنان غالباً در نقشهای عادی از نوع اجتماعی ظاهر می شوند و در کتابهای داستانی نقشهای راهبردی برای زنان هرگز به چشم نمی آید.

واژه های کلیدی: الگوی نقش، جامعه پذیری جنسیتی، نقش بانفوذ، نقش راهبردی، عادی، نقش های زنانه

مقدمه

«جامعه پذیری» فرآیندی است که بواسطه آن، اعضای یک جامعه، یک گروه یا یک خرده فرهنگ، کلیه ارزشها، اعتقادات و هنجارهای آن جامعه را فرا می گیرند تا به صورت انسانی اجتماعی در آیند. تحقیقات جامعه شناسان نشان می دهد که تقریباً در کلیه کشورهای جهان زن و مرد به شیوه های متفاوتی جامعه پذیر می شوند. این نوع جامعه پذیری را «جامعه پذیری جنسیتی»^۱ می نامند و به این معنی است که هر جنس به گونه متفاوتی آموزش می بیند تا بتواند در آینده نقشهایی را که از او توقع می رود به خوبی انجام دهد.» (مطیع، ۱۳۷۴: ۲۵).

بزرگسالان مهمترین عامل اجتماعی کردن کودکان دختر و پسر هستند. اما غیر از بزرگسالان عوامل دیگری چون اسباب بازیهای کودکان، کتابهای درسی و داستانی، روزنامهها، مجلات و به طور کلی رسانه های گروهی چون رادیو و تلویزیون، مدرسه و گروه همسالان بر جامعه پذیری جنسیتی کودکان تاثیر می گذارد. اما از بین این عوامل، کتابهای داستانی از اهمیت ویژه ای برخوردارند، زیرا از قابل توجه ترین امتیازات داستان، آموزش غیر مستقیم آن است. یعنی این مزیت را دارد که برخلاف کتابهای آموزشی رسمی، کودکان و نوجوانان را مستقیماً هدف گفته های خود قرار نمی دهد بلکه به طور غیر مستقیم درصدد پاسخگویی به نیازهای گوناگون خوانندگان خود است. در نتیجه میزان تاثیر آنها بر کودک و نوجوان بسی بیشتر است. از دیگر امتیازات داستان این است که قدرت تخیل کودکان و نوجوانان را افزایش می دهد و بالا رفتن قدرت تخیل، خلاقیت و نوآوری را در آنان رشد می دهد و آنان را برای ایفای نقشهای مناسب با این ویژگی ها آماده می سازد. همچنین کتابهای داستانی منعکس کننده ارزشها، هنجارها و نقشهای اجتماعی یک جامعه هستند.

خانواده و جامعه سعی دارند نقشهای اجتماعی را به کودکان بیاموزند، در این بین کتابهای داستانی با ارائه نقشها در قالب قصه به کمک آنها می آیند و قالبهای رفتاری هر جنس را آموزش می دهند. از آنجا که کودک دامنه لغات خود را از طریق کتاب گسترش می دهد و نقشها و روابط اجتماعی را فرا می گیرد، بنابراین نحوه معرفی نقشهای زن و مرد در این کتابها از اهمیت خاصی برخوردار است. کودک از طریق

^۱ . gender socialization

مطالعه این کتابها می آموزد که چه اعمالی مردانه و چه اعمالی زنانه است و چگونه باید نقش خود را به عنوان یک زن یا مرد در جامعه ایفا کند. در مطالعات مقدماتی پژوهشی که در اواخر دهه ۷۰ در این خصوص انجام شد، دریافتیم که داستانهای کودکان و نوجوانان بر نحوه جامعه پذیری جنسیتی آنها تاثیر بسزایی دارد. اهمیت توجه به نقش های زنانه و جایگاه زن در جامعه، ما را بر آن داشت تا نحوه معرفی زنان را در کتابهای داستانی کودکان بررسی کنیم. در این بررسی سعی گردیده نحوه معرفی نقش و جایگاه اجتماعی زن در مقایسه با نقش و جایگاه اجتماعی مرد در کتابهای داستانی نشان داده شود. هدف اصلی از انجام این بررسی، شناسایی نقشهای زنان در کتابهای داستانی کودکان ایرانی است. علاوه بر این هدف، اهداف دیگری نیز مد نظر بوده که عبارتند از:

- ۱- شناسایی نوع نقش عادی- کمکی- بانفوذ - راهبردی در زمینه های اقتصادی- اجتماعی - سیاسی- فرهنگی و نحوه یادگیری نقش های زنانه با توجه به تئوری نقش پارسونز
- ۲- بررسی تجانس یا عدم تجانس تصویر زن در کتابهای داستانی با نقش زن در جامعه متحول امروز
- ۳- بازنمایی محل فعالیت زنان
- ۴- نحوه نمایش تصویرسازی احساسات، تفریحات، ویژگیهای شخصیتی و نوع مشاغل زنان
- ۵- شناخت ویژگی های جنس اول داستان از حیث نحوه تصمیم گیری، ابتکار، موفقیت، شجاعت، قدرت و زیبایی.

پیشینه تحقیق

بیشتر زنان مجموعه ای از خصوصیات رفتاری، احساسی، عقلانی و اعتقادی را از خود نشان می دهند که به عنوان ویژگی های جنس مونث شناخته می شود. به همین ترتیب نیز مردان خصوصیات متفاوتی را از خود بروز می دهند که به عنوان ویژگی های مردانه مورد شناسایی قرار می گیرد. همگی این خصوصیات فراگرفته شده، «نقشهای جنسیتی» نامیده می شوند (سالزمن^۱، ۱۹۷۴: ۳) در رابطه با یادگیری نقشهای جنسیتی تحقیقاتی صورت گرفته که به لحاظ اهمیت در اینجا به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم. بیان این تحقیقات و تئوریهای از این جهت ضروری است که فرضیات تحقیق حاضر از بطن

^۱. Saltzman

همین تئوری ها بدست آمده است. بیشتر این تئوری ها که شامل تئوری های فروید(۱۹۳۳)، کولبرگ(۱۹۶۶) و میشل(۱۹۶۶) می شوند بر تاثیر الگوها و مدلها در یادگیری نقش های مرتبط با جنسیت تاکید می کنند. این مدلها می توانند از پدر و مادر شروع و به وسایل ارتباط جمعی و کتب ختم شوند. از آنجا که کتابها بر یادگیری نقش های جنسیتی تاثیر زیادی دارند تحقیقاتی نیز در زمینه نقش زنان و مردان در کتابها بخصوص کتابهای داستانی به عمل آمده است.

پاتر^۱ در سال ۱۹۷۲ در تحقیقی نشان داد که تاثیر داستانها بر روی هر فرد بستگی به این دارد که تا چه حد او بتواند خودش را با قهرمانان آن داستان همانند کند و عواملی چون سن و جنس در چنین همانند سازی دخالت دارد(پاتر، ۱۹۷۳: ۴۱۵-۳۸۷). در مطالعه دیگری که به طور مشترک توسط مک آرتور^۲ و آیزن^۳ در سال ۱۹۷۵ صورت گرفت این موضوع روشن شد که « وجود انگیزه پیشرفت در مدلهای زن و مردی که در کتابهای داستانی وجود دارند، تاثیر فراوانی بر رشد این انگیزه در دختران و پسران دارد (مک آرتور و آیزن، ۱۹۷۵: ۳۲)

یکی از اولین تحقیقاتی که به منظور بررسی محتوای کتب کودکان انجام گرفت، تحقیق چایلد^۴، پاتر و لوین^۵ در سال ۱۹۴۶ است. نتایج بدست آمده نشان دهنده وجود تفاوتی فاحش بین نقش دو جنس در کتابهای مورد مطالعه بود. زنان غالباً به صورت افرادی مهربان و در حال پرستاری از دیگران و گریزان از خطر مجسم شده بودند و مردان اکثراً افرادی مطلع، سازنده، مهاجم و دارای انگیزه فراوان برای پیشرفت بودند. به طور کلی در این داستانها تعداد زنان بسیار کمتر از مردان بود، به طوری که ۷۳ درصد از شخصیتهای اصلی داستانها را مردان و تنها ۲۵ درصد آنان را زنان تشکیل می دادند(چایلد، پاتر و لوین، ۱۹۴۶: ۵۴). اورن^۶ نیز در سال ۱۹۷۱ در مورد کتابهای کودکان بررسی هایی به عمل آورد و دریافت که « ۷۵ درصد از شخصیتهای اصلی داستانهای موجود در این کتابها را مردان تشکیل می دادند، در حالی که تنها ۲۰ درصد آنان به زنان تعلق داشتند. در بسیاری از داستانها مردان شخصیت اصلی را تشکیل می دادند و هیچ زنی شرکت نداشت. ولی در داستانهای زنان، مردان نیز شرکت داشتند. همچنین داستانهای

1 . Potter

2 . Mc Arthur

3 . Eisen

4 . Child

5 . Levine

6 . Uren

که درباره زنان نوشته شده بودند، معمولاً دارای طول کوتاهتری در مقایسه با داستانهای مربوط به مردان بودند» (اورن، ۱۹۷۱: ۸).

در داستانهایی که بوسيله دکراو^۱ در سال ۱۹۷۲ بررسی شد، این نتایج بدست آمد: «هیچ زنی در محیط خارج از خانه دیده نمی شد مگر اینکه پرستار و یا معلم بود. تمام زنان شاغل نیز به عنوان "دوشیزه" نامیده می شدند که نشان دهنده این است که هیچ زنی پس از ازدواج نمی تواند شاغل باشد. مردان در مقایسه با زنان، بیشتر در تصمیم گیریها شرکت داشتند، حتی در تصمیم گیریهایی که مربوط به امور خانه و خانواده می شد. پسران اکثراً به صورت افرادی خلاق نشان داده می شدند، در حالی که از دختران به صورت افرادی ترسو و وابسته به دیگران نام برده می شد» (دکراو، ۱۹۷۲: ۲۵).

گرابنر^۲ در سال ۱۹۷۲ پژوهشی انجام داد که هدف آن روشن ساختن این موضوع بود که «آیا در نقش زنان در کتابهای کودکان ده ساله بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تغییراتی بوجود آمده است یا نه؟». به این منظور ۵۴۴ داستان از کتابهایی که در این دوره منتشر شده بود را انتخاب کرد و مورد بررسی قرار داد. نتیجه تحقیق نشان داد که تقریباً تغییری در نقش زنان در این داستانها نسبت به گذشته به چشم نمی خورد (گرابنر، ۱۹۷۲: ۲۶).

در تحقیق دیگری که توسط سوینگ^۳ در سال ۱۹۷۵ صورت گرفت نقش های در نظر گرفته شده برای زنان در کتابهای انتشار یافته بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی تحقیق این بود که مقایسه ای بین کتابهایی که در این سالها انتشار یافته بودند با کتابهایی که قبل از ۱۹۷۲ منتشر شده بودند، به عمل آید. به این وسیله مشخص می شد که آیا در نقش زنان در این کتابها در مقایسه با گذشته تغییری بوجود آمده است یا نه. «مطالعات گذشته نشان می داد که در کتابهایی که قبل از سال ۱۹۷۲ چاپ شده بودند زنان غالباً در حال خانه داری دیده می شدند و این با نقش های واقعی آنان در اجتماع همانند نبود. در این تحقیق ۱۵۴ کتاب که توسط ۹۴ نویسنده نوشته شده بودند به طور تصادفی از بین کتابهایی که بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ انتشار یافته بودند انتخاب شد. نتایج نشان می داد که هیچ کدام از این کتابهای داستانی بدون حضور مرد نبود، در حالی که در تعدادی از آنان اصلاً

1. Decrow

2. Graebner

3. Stewing

زنی وجود نداشت. این بدان معناست که برای نویسندگان نوشتن داستانهای بدون حضور زنان بسیار آسانتر از داستانهایی است که در آنها هیچ مردی به چشم نمی خورد. همچنین باید اضافه کرد که برای مردان مشاغل متنوع تری در نظر گرفته شده بود و فعالیتهای تفریحی مردان نیز متنوع تر از زنان بود. تعداد مردانی که در حال تفریح دیده می شدند بیش از زنان بود. در هنگام انجام این فعالیت ها زنان اکثراً غیر فعال و آرام بودند. در حالی که مردان به گونه ای فعال دیده می شدند. نتیجه این تحقیق نشان می داد که هر چند پیشرفت نسبتاً خوبی در این کتابها در مقایسه با کتابهای قبلی بوجود آمده بود ولی باز هم تصاویر زنان با نقش واقعی آنان در جامعه مطابقت نداشت» (سوینگ و نیپل^۱، ۱۹۷۵: ۷۹).

شاید مفصل ترین و مهمترین تحقیق در رابطه با این موضوع، پژوهشی است که توسط وایتزمن^۲ و دیگران در سال ۱۹۷۲ تحت عنوان "جنسیت و جامعه پذیری" در کتابهای تصویری کودکان صورت گرفته است. در این پژوهش آمده است که کتابهای کودکان نقش مهمی در جامعه پذیری کودکان دارند، زیرا از طریق این کتابها بچه ها با زندگی کودکان دیگر آشنا می شوند و انتظارات بزرگترها را درباره نقش خود در می یابند. وایتزمن نمونه مورد مطالعه خود را از بین سه کتاب معروف و برنده جایزه در آمریکا انتخاب کرد (امامی، ۱۳۷۰: ۲۰). در این پژوهش، او با روش تحلیل محتوی نقشهای گوناگون، افراد را از نظر جنسیت مقایسه کرد و به نتایج زیر رسید:

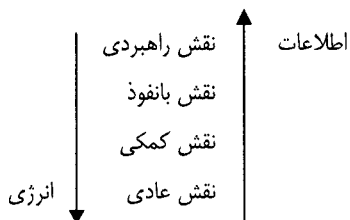
پسرها نقش بسیار بیشتری در داستانها و تصویرها بازی می کردند به طوری که نسبت پسران به دختران ۱۱ به ۱ بود. اگر حیواناتی را که دارای هویت جنسی بودند نیز منظور می کردیم این نسبت ۹۵ به ۱ بود. پسرها به کارهای ماجرا جویانه و فعالیت های خارج از خانه می پرداختند اما هر جا که دختران ظاهر می شدند، به گونه ای انفعالی و اکثراً در حال انجام فعالیتهای درون خانه نشان داده شده بودند. این وضع در مورد مردان و زنان بزرگ که در کتابهای قصه نشان داده شده بودند نیز صدق می کرد. زنانی که همسر و مادر نبودند موجوداتی خیالی مانند جادوگران یا مادر خوانده های پریان تلقی می شدند. برعکس، مردان در نقشهای متعددی مانند رزمنده، پلیس، قاضی، شاه و غیره تصویر شده بودند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۸۰).

^۱ . Knippel

^۲ . Weitzman

چارچوب نظری

در این پژوهش سعی شده است برای بررسی تصویر و نقش زنان از نظریه پارسونز استفاده شود. برطبق نظریه پارسونز فعالیت یا کارها را می توان بر اساس چهار حوزه (بخش) جامعه تقسیم بندی کرد: امور اقتصادی، امور سیاسی، امور اجتماعی و امور فرهنگی. بر این اساس نقش های افراد را می توان به صورت افقی در ارتباط با چهار حوزه یاد شده به انواع اصلی زیر تقسیم کرد: نقش های فرهنگی، نقش های اجتماعی، نقش های سیاسی و نقش های اقتصادی. همچنین پارسونز معتقد است نقش ها را می توان بر اساس میزان مصرف انرژی و اطلاعات به نقش های راهبردی، نقش های بانفوذ، نقش های کمکی و نقش های عادی تقسیم کرد (تفکیک عمودی نقش ها). مدل نقش های عمودی نیز به ترتیب زیر است:



(چلبی، ۱۳۷۵ : ۱۷۱)

نقش راهبردی نقشی است که کمترین انرژی را مصرف می کند ولی مصرف کننده بیشترین اطلاعات است. بنابراین بر سایر نقش ها نظارت دارد و کار تنسيق نمادی، جهت دهی و تعیین هدف را بر عهده دارد.

نقش بانفوذ در سلسله مراتب اطلاعات و کنترل بعد از نقش راهبردی قرار می گیرد. این نقش کار هماهنگی، عملیاتی کردن اهداف و فعال کردن تعهد را به عهده دارد.

نقش کمکی کار نظارت بیرونی و آنی را بر اجرای امور جهت تحقق اهداف به عهده دارد. به طور کلی این نقش بیشتر مصرف کننده انرژی است تا مصرف کننده اطلاعات.

نقش عادی بر خلاف نقش راهبردی در تماس نزدیک با جهان عینی است. این نقش بیشترین انرژی را مصرف می کند و از اطلاعات کمی استفاده می نماید. اجرای وظایف روزمره از انتظارات اساسی این نقش است (چلیبی ۱۳۷۵: ۱۷۱).

اگر نقش های عمودی (راهبردی، با نفوذ، کمکی و عادی) را در ارتباط با نقش های افقی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) قرار دهیم به مجموعه شانزده تایی از نقش ها دست خواهیم یافت. از ارتباط نقش های عمودی و افقی شکل زیر پدید می آید و ما قصد داریم نقش های زنان و مردان را در کتابهای داستانی کودکان در این قالب ارزیابی کنیم. متغیری که با توجه به این نظریه در نظر گرفته ایم، "نوع نقش" است.

جدول ۱: سنخ شناسی نقش ها

افقی عمودی	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی
راهبردی	راهبردی اقتصادی	راهبردی سیاسی	راهبردی اجتماعی	راهبردی فرهنگی
بانفوذ	با نفوذ اقتصادی	با نفوذ سیاسی	با نفوذ اجتماعی	با نفوذ فرهنگی
کمکی	کمکی اقتصادی	کمکی سیاسی	کمکی اجتماعی	کمکی فرهنگی
عادی	عادی اقتصادی	عادی سیاسی	عادی اجتماعی	عادی فرهنگی

(چلیبی، ۱۳۷۵: ۱۷۱)

سوالات اساسی تحقیق:

- ۱- در ادبیات داستانی کودکان ایرانی نوع نقش های زنان شامل چه نقشهایی است و این نقشها چگونه کسب می شوند؟
- ۲- محل فعالیت زنان غالباً چه مکانهایی است؟
- ۳- نوع مشاغل، شیوه تفریح، ویژگیهای شخصیتی، عواطف و احساسات زنان در این کتابها چگونه منعکس شده است؟
- ۴- جنس نقش اول داستانها از لحاظ تصمیم گیری، ابتکار، موفقیت، شجاعت، قدرت و زیبایی، زن است یا مرد؟

۵- آیا تصویر زن در کتابهای داستانی با نقش واقعی زنان در جامعه متحول امروز تجانس و سنخیت دارد؟

روش شناسی

برای گردآوری داده‌ها از دو شیوه اسنادی و تحلیل محتوا استفاده شده است. در این تحقیق حدود ۲۰۰ عنوان کتاب داستانی مختص گروه سنی (۱۲-۱۰سال) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. کتابها همگی در سال‌های ۶۹ تا ۷۸ و توسط کانون پرورش فکری کودک و نوجوان چاپ شده‌اند. در مقاله حاضر علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسامی، تصاویر، مشاغل و نقش‌های اجتماعی مرتبط با جنسیت شمارش شده است.

یافته‌های تحقیق

نقش زن در داستانهای پس از انقلاب

در پژوهشی که محقق، خود در سال ۸۰ با مطالعه ۲۰۰ کتاب داستانی کودکان^۱ گروه سنی (۱۰ تا ۱۲ ساله) انجام داده به این نتایج رسیده است که عبارتند از:

- زنان کتابهای داستانی غالباً خانه‌دار یا دارای مشاغلی که به طور مستقیم به تولید سودی نمی‌رسانند، تصویر شده‌اند. (۷۱٪)

- محل حضور مرد داستانها، خارج از خانه (۶۷٪) و محل حضور زنان اکثراً در داخل خانه است. (۷۴٪)

- عمده‌ترین ویژگیهای شخصیتی، هم در زنان و هم در مردان مهربانی است، ولی در مردان هرگز ترسوئی، عشوگری، بی‌انضباطی و فضولی دیده نمی‌شود. در حالی که در زنان ضعف و ناتوانی فراوان است (۱۲٪)، ولی زورگوئی و ستمگری در آنها کمتر مشاهده می‌شود (۵٪/۰)

- زنان و مردان غالباً تفریحی ندارند (۴۳٪) اما در صورت وجود تفریح، مردان خود را با فعالیتهای ورزشی، هنری و گردش در طبیعت سرگرم می‌کنند (۱۷٪)، در حالی که فعالیتهای ورزشی برای زنان اصلاً مشاهده نمی‌شود و گپ زدن با همسایه‌ها و مهمانی رفتن، جای سایر تفریحات را می‌گیرد. (۴٪)

^۱ ۲۰۰ کتاب داستانی کلیه انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را شامل می‌شود که پس از انقلاب مهمترین ناشر کتاب داستانهای کودک و نوجوان به حساب می‌آید.

- فعالیت سیاسی مردان، اکثراً در حیطه مدیریت و تصمیم گیری سیاسی است (۷۰٪)، در حالی که فعالیت سیاسی زنان در حد رفع خطر از خود و وطن در برابر دشمن است نه سیاستگزاری (۲۰٪)
- مردان در اکثر داستانها، سرپرست، رهبر و مقتدر نشان داده شده اند. (۶۲٪)
- تعداد تصاویر مردان چهار برابر تعداد تصاویر زنان است. (۱۶۴۵ مرد به ۴۰۸ زن)
- رنگ لباس زنان غالباً روشن (۴۵٪) و رنگ لباس مردان عمدتاً تیره نشان داده شده است (۶۴٪) و این درحالی است که کودک هنگام ورود به اجتماع، رنگ لباس بیشتر زنان را تیره می یابد و این امر برای او سؤال ایجاد می کند.
- مردان تقریباً در غالب داستانها، جنس تصمیم گیر (۷۱٪)، مبتکر (۶۱٪)، موفق (۵۱٪)، مذهبی (۳۲/۵٪)، قهرمان و قوی (۴۸٪) هستند، در حالی که در غالب داستانها، ویژگی زیبایی برای زنان برجسته شده است.
- زنان غالباً در نقشهای انتسابی و مردان اکثراً در نقش های اکتسابی تصویر شده اند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۲۵-۳۲۰).

تطابق یافته های پژوهش با تئوری پارسونز

نقش های زنان در کتابهای داستانی کودکان پس از انقلاب اسلامی

جنسیت نقش اول / نوع نقش ها	مرد	درصد	زن	درصد
راهبردی اقتصادی	۵	۵/۲	۲	۰
با نفوذ اقتصادی	۶	۳	۰	۰
کمکی اقتصادی	۶	۳	۲	۱
عادی اقتصادی	۵۱	۲۵/۵	۵	۲/۵
راهبردی سیاسی	۳۷	۱۸/۵	۰	۰
با نفوذ سیاسی	۱	۰/۵	۰	۰
کمکی سیاسی	۲	۱	۰	۰
عادی سیاسی	۱۰	۵	۱	۰/۵
راهبردی اجتماعی	۰	۰	۰	۰
با نفوذ اجتماعی	۲۲	۱۱	۳	۱/۵

بررسی نقش زن در داستانهای کودکان ۵۱

۰	۰	۰	۰	کمکی اجتماعی
۳۵/۵	۷۱	۰	۰	عادی اجتماعی
۰	۰	۰	۰	راهبردی فرهنگی
۰/۵	۱	۱	۲	با نفوذ فرهنگی
۰	۰	۰	۰	کمکی فرهنگی
۰/۵	۱	۱/۵	۳	عادی فرهنگی
۴۶	۹۲	۱۵	۲۰	فاقد مرد - زن
۱۰	۲۰	۸/۵	۱۷	کودک
۲	۴	۴	۸	بدون شغل و بیکار
۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	جمع

توضیحات جدول نشان می دهد که مردان غالباً نقشهای عادی اقتصادی و راهبردی سیاسی را عهده دارند، در حالی که زنان عمدتاً نقشهای عادی اجتماعی را ایفا می کنند و تنها نقش سیاسی آنها عادی سیاسی است. در واقع در حالی که زنان در سالهای اخیر، نقش های مهم اجتماعی را بر عهده داشته اند، اما همواره از آنها در نقشهای عادی - اجتماعی یاد می شود که شامل زنان خانه دار و پرستار است. نکته جالب تر اینکه در رابطه با مردان هیچگاه نقش عادی - اجتماعی مشاهده نشده است.

یکی دیگر از اهداف پژوهش، مقایسه تصویر زن در کتابهای داستانی با نقش زن در جامعه متحول امروز بوده است. یافته های تحقیق چه در بخش مطالعه اسناد و مدارک و چه در بخش تحلیل محتوای کتب نشان داد که نقش زنان در کتابهای داستانی بسیار پیش پا افتاده، سطحی و ابتدایی است و اکثراً محدود به خانه داری می شود. در حالیکه زنان ما اکنون در بسیاری از عرصه های اجتماعی حضور فعال دارند. به عنوان مثال طبق آمار سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۸۰ تعداد دختران دانشجو(اعم از دانشگاههای سراسری و آزاد) برابر با ۵۰۱۹۱۳ نفر است که نشان دهنده رشد آموزش عالی در بین دختران است. همچنین فارغ التحصیلان زن نسبت به مرد از نسبت بیشتری برخوردار بوده و این امر نشانگر موفقیت بیشتر زنان در سپری کردن دوران تحصیل است.

نمونه ای دیگر از موفقیت های زنان فزونی گرفتن معدل درسی دختران نسبت به پسران در دوره زمانی مورد مطالعه است که میانگین نمرات درسی آنها در سطح کشور(به استثنای یک استان) به طور

متوسط یک نمره بیش از پسران است. (کدیور، ۱۳۷۵: ۱۲۳) مقایسه بعضی از مشاغل زنان و مردان در جامعه فعلی ایران نکات جالب توجهی را برای ما روشن می کند.

مرد	زن	
۲۸۳ هزار	۴۱ هزار نفر	قانونگذاران، مقامات عالی رتبه ومدیران
۷۷۰ هزار	۴۹۴ هزار نفر	متخصصان
۳۸۵ هزار	۷۳ هزار نفر	تکنسین ها و دستیاران
۵۱۰ هزار	۱۰۴ هزار نفر	کارمندان امور دفتری و اداری
۱۴۰۳ هزار	۸ هزار نفر	کارکنان خدماتی،فروشندهگان فروشگاههاوبازارها
۲۷۸۸ هزار	۲۵۵ هزار نفر	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۲۳۸۴ هزار	۵۵۸ هزار نفر	صنعت گران و کارکنان مشاغل مربوط به صنعت متصدیان اپراتورها،ماشین آلات،مونتازکاران و
۱۲۸۹ هزار	۱۵ هزار نفر	رانندگان وسایل نقلیه
۱۸۴۷ هزار	۸۴ هزار نفر	کارگران ساده
۱۱۴۹ هزار	۶۴ هزار نفر	سایر و اظهارنشده

(سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۷:۵۲)

خوانندگان با نگاهی به این آمار در وهله اول در می یابند که تعداد زنان در مشاغل ذکر شده تقریباً نصف تعداد مردان است و از این جهت بین حضور زنان و مردان در نقشهای اجتماعی تفاوت و تبعیض وجود دارد. اما با نگاهی دقیق تر می توان دریافت که در کتابهای داستانی کودکان حتی اشاره ای به بخشی از این مشاغل زنان نیز نشده است و همواره همان مشاغل همیشگی به زنان نسبت داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر نشان می دهد که زنان در داستانهای کودکان غالباً در نقشهای عادی اجتماعی مورد نظر پارسونز ظاهر می شوند. این نقش بیشترین انرژی را مصرف می کند و از اطلاعات کمی استفاده می نماید. اجرای وظایف روزمره از انتظارات اساسی این نقش است. خانه داری، پرستاری و معلمی از جمله نموده های بارز این نوع نقش هستند. در داستانهای مورد بررسی زن خوب زنی زیبا و خانه دار است که به

جز برآورده کردن انتظارات دیگران (یعنی زناشویی و نگهداری از خانه و فرزند) به کار دیگری مشغول نمی‌شود، البته خود نیز خواهان به دست گرفتن قدرت و ایفای نقشهای راهبردی نیست چرا که در آن صورت به موجودی شیطان صفت و جادوگر تبدیل می‌شود. او موظف به انجام خدمتی یک طرفه است و برای تمامی اعضای خانواده از خود گذشتگی نشان می‌دهد. زن مقبول نویسندگان این داستانها، زنی است زیبا که برای انجام امور خود کمتر از مدیریت، تدبیر، زیرکی و عقل استفاده می‌کند.

در داستانهای معاصر ایرانی گر چه زنان کمتر به عنوان موجوداتی شهوانی برای ارضای غرایز مردان به شمار می‌روند و نقشهای اجتماعی چون معلمی، پرستاری و ... را اشغال می‌کنند. اما در این داستانها، زنان شاغل به عنوان افرادی به تصویر در می‌آیند که به دلیل درگیری با نقش هایشان از قبول و ایفای مسئولیتهای اصلی خود یعنی همسری و مادری سرباز می‌زنند. در حقیقت صاحبان داستانهای معاصر قصد دارند تضاد بین نقشهای خانگی و اجتماعی زنان شاغل را به نمایش گذارند.

نتایج فوق به طور کامل در داستانهای کودکان ایرانی گروه سنی (۱۲-۱۰) ساله نیز به چشم می‌خورد. به طوری که مردان غالباً نقشهای عادی اقتصادی مانند کارگر و کشاورز و نقش های راهبردی سیاسی چون پادشاه را عهده دارند. در حالی که زنان عمدتاً در نقش های عادی اجتماعی ظاهر می‌شوند و تنها نقش سیاسی آنها نقش های عادی سیاسی است که تحت عنوان سرباز و نگهبان از وطن تعریف می‌شود نه به عنوان نقش پادشاه و یا وزیری که حق تصمیم گیری و سیاستگزاری برای دیگران را داشته باشند.

از سوی دیگر در ویژگیهای شخصیتی زنان این داستانها غمگینی، ضعف و ناتوانی و مهر و عطف به وفور مشاهده می‌شود، در حالی که زورگویی و ستمگری کمتر به نمایش در می‌آید. این در حالی است که مردان هرگز به عنوان موجوداتی ترسو، عشوه‌گر، بی‌انضباط و فضول مشاهده نمی‌شوند و شادی احساس غالب مردان این قصه‌هاست.

یافته‌های مقاله همچنین گویای این مطلب است که اگرچه زنان در سالهای اخیر مشاغل متنوعی چون قانونگذار، مدیر، متخصص، تکنسین، صنعت‌گر و ... را اشغال نموده‌اند یا آمار موفقیت‌های تحصیلی‌شان در گروه محصلان و دانشجویان بیش از پسران بوده است، اما در کتابهای داستانی همچنان به عنوان موجوداتی تصویر می‌شوند که تنها از عهده همان نقشهای خانگی برمی‌آیند.

در واقع نقش زنان در کتب داستانی جلوه‌ای است از سنت‌های خرافی قدیم و گذشته و با نقشی که زن زحمتکش امروز ایران که نیمی از وجودش وقف فعالیت‌های خارج از منزل و نیمی دیگر به فعالیت‌های منزل معطوف است، هیچ تناسبی ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد نوعی از «جامعه پذیری جنسیتی» در ادبیات داستانی ما در حال انجام است که در وهله اول کودکان ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

منابع

- امامی، مهدی (۱۳۷۰) ادبیات کودکان و فرایند جامعه پذیری، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی دانشگاه شیراز.
- چلیبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۵) زن، تهران: اطلاعات.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) سالنامه آماری کل کشور.
- مطیع، ناهید (۱۳۷۴) «جامعه پذیری جنسی مانعی برای توسعه»، مجموعه مقالات همایش نقش زن در توسعه فرهنگی هم‌زمان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقصودی، سووده (۱۳۸۰) مقایسه نقشها و پایگاههای اجتماعی زن و مرد در کتابهای داستانی کودکان در سالهای ۶۹ تا ۷۸، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- Child, I. L. and potter, E. H. and E.L. Levine (1946) "Children's Textbooks and Personality Development: Explanation in the Social Psychology of Education" *Psychology Monograph*, No.3.
- Decrow, K. And Lock, J. (1972) "Sex differences and discrimination in Education", Worthington, Ohio: Charles, A, Jones.
- Graebner, D. B. (1972) "A decade of sexism in readers", *The Reading teacher*, No.26.
- Mc. Arthur, L. and S. V. Eisen, (1975) "Achievement of male and female story book characters as determinants of Achievement behavior by boys and girls" *Journal of social Issues*, No.3, P: 32.
- Potter, B. A. (1973) "The shaping of woman in sarrio, title and Jacklin. Sex – role stereotyping", Harvard, *Educational Review*, No.3, pp: 387- 415.

بررسی نقش زن در داستانهای کودکان ۵۵

saltzman ch. and Janet (1974) "Masculine/ Feminine or Human?" *An over view of the sociology of sex Roles*, New York, and F.E: peacock publishers Inc.

Stewing, J. and M. L. knipple (1975) "Sexism in picture books, what progress?" No.3, p: 76.

Uren, M. B. (1971) *The Image of woman in Text Books, women in sexist society: studies in Power and powerless*, New York: Basic books.

مؤلف

سوده مقصودی: عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

پست الکترونیک: smaghsoodi@mail.uk.ac.ir

